

## جولیان : آتشکده نویافته ساسانی در آبدانان ایلام

یعقوب محمدی فر\*  
عباس مترجم\*\*

### چکیده

تاکنون منطقه زاگرس مرکزی و به طور اخص استان‌های ایلام و لرستان از منظرگاه مطالعات باستان‌شناسی در دوران تاریخی مورد مطالعه جدی قرار نگرفته است. در جریان بررسی باستان‌شناسانه شهرستان آبدانان از مناطق جنوب استان ایلام و در حاشیه جنوبی کبیر کوه، تعداد ۵۱ محوطه و اثر باستانی از دوره‌های مختلف تاریخی توسط نگارندگان این مقاله شناسایی شد. یکی از مهم‌ترین این کشفیات، محوطه‌ای وسیع به نام «جولیان» است که طی بررسی‌های باستان‌شناسی، بقایای یک شهر با آثار دوره ساسانی و صدر اسلام در این محل شناسایی و مستندسازی شد. در مرکز این محوطه عظیم تاریخی و مخروبه، بقایای یک چهارطاقی دیده می‌شود که به صورت ویژه‌ای قابل بحث است. بنای این آتشکده از گونه آتشکده‌هایی با دالان طواف در اطراف است که پیرامون آن، راهروهایی وجود دارد. نمونه‌هایی از این آتشکده در غرب ایران از جمله در شیان و میل میلگه در اسلام آباد غرب و همچنین در دیگر مناطق ایران از جمله آتشکده نگار کرمان و فراشبند فارس دیده می‌شود. علاوه بر اینها، تخت سلیمان آتشکده دیگری با این سبک معماری است که از جمله مهم‌ترین آتشکده‌های شناخته شده در جهان به‌شمار می‌آید. در این مقاله آتشکده نویافته جولیان برای نخستین بار، معرفی و با دیگر نمونه‌های مشابه سنجیده و تحلیل شده است. اهمیت موضوع در این است که پلان این آتشکده، موضوع پرچالش نحوه عملکرد این آتشکده‌ها را مجدداً در معرض نقد صاحب‌نظران خواهد گذاشت.

### واژگان کلیدی

ساسانیان، آتشکده، چهارطاقی، آبدانان، جولیان.

\*. دکتري باستان‌شناسی-دوران تاریخی، دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. نویسنده مسئول ۰۸۱۱-۴۲۲۰۹۴۰

yamohamadi@yahoo.com

\*\* دکتري رشته باستان‌شناسی -پیش از تاریخ، استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

amotarjem@gmail.com

بود. یکی از اهداف اصلی این برنامه، بررسی به روش مکان‌نگاری یعنی بررسی کلی و ثبت همه دوره‌ها و آثار بود. در مرحله اول این برنامه پژوهشی که در بخش مرکزی انجام گرفت، تعداد ۵۱ اثر باستانی از دوره نوسنگی تا دوران اسلامی کشف شد. یکی از مهم‌ترین کشفیات این پژوهش، شناسایی محوطه عظیمی به وسعت حدود ۴ هکتار در محلی به نام «جولیان» بود. با وجود اینکه قسمت اعظم این محوطه امروز به وسیله کشاورزان به زیر کشت برده شده است، لیکن در اغلب قسمت‌هایی از کشتزار بقایای معماری متشکل از قلوه سنگ با ملات گچ نمایان است. در میان بقایای این شهر مخروبه باستانی، بقایای یک آتشکده با پلان مربع بیش از دیگر آثار جلب توجه می‌کرد. همچنین در ارتفاعات مشرف به بقایای شهر باستانی، بقایای یک قلعه دیده می‌شود.

### موقعیت جغرافیایی

آبدانان، یکی از شهرستان‌های جنوبی استان ایلام است. «کبیرکوه» مهم‌ترین رشته‌کوه این ناحیه همانند دیواره عظیمی مابین دو شهرستان آبدانان و دره شهر سایه افکنده است و بخش کوهستانی استان ایلام را از بخش گرمسیری آن جدا می‌کند. به دلیل این عارضه جغرافیایی، آبدانان دارای دو چهره جغرافیایی کاملاً متضاد است. بخش جنوبی آن را دشت رسوبی و بخش شمالی آن را منطقه کوهستانی با اقلیمی تقریباً متفاوت از جنوب، تشکیل می‌دهد (نقشه ۱).

بقایای شهر باستانی معروف به جولیان در بخش کوهستانی آبدانان و در دامنه جنوبی کبیرکوه واقع است. بقایای این محوطه عظیم در موقعیت عرض شمالی جغرافیایی  $32^{\circ}56'74''N$  و طول شرقی  $44^{\circ}32'E47$  در ارتفاع ۸۸۵ متری از سطح دریا واقع است. برای دستیابی به این محل از جاده آبدانان به مورموری استفاده می‌شود و در محل روستای چم کبود و از طریق یک جاده روستایی میان اراضی می‌توان به محدوده آثار جولیان دست یافت.

آبدانان، منطقه‌ای با دو چهره متفاوت است. این شهرستان در شمال دهلران واقع است و نیمی از اقلیم آن، مشابهت کاملی با دشت دهلران دارد که در امتداد آن است. نیمه شمالی شهرستان در دامنه کوه عظیم کبیرکوه با وضعیت نیمه کوهستانی شامل تپه ماهورهای طبیعی است و جاده بین این دو شهر از گردنه‌های معروف کشور محسوب می‌شود. آنچه در بررسی آبدانان حاصل آمد؛ کشف شمار زیادی بقایای معماری با مصالح سنگ و ساروج در یک محدوده گسترده است که متأسفانه تاکنون ناشناخته باقی مانده‌اند.

### آتشکده جولیان

آثار موجود در محوطه تاریخی جولیان در یک محوطه وسیع گسترده قرار دارد. امروز در میان اراضی کشاورزی، بقایای قلوه سنگ با ملات گچ پراکنده است که متأسفانه به دلیل کشت هر ساله کشاورزان محلی، نه تنها صرفاً بخش‌های مرتفع باقی مانده، بلکه کشاورزان برای استفاده از زمین‌ها اقدام به جمع‌آوری قلوه

### مقدمه

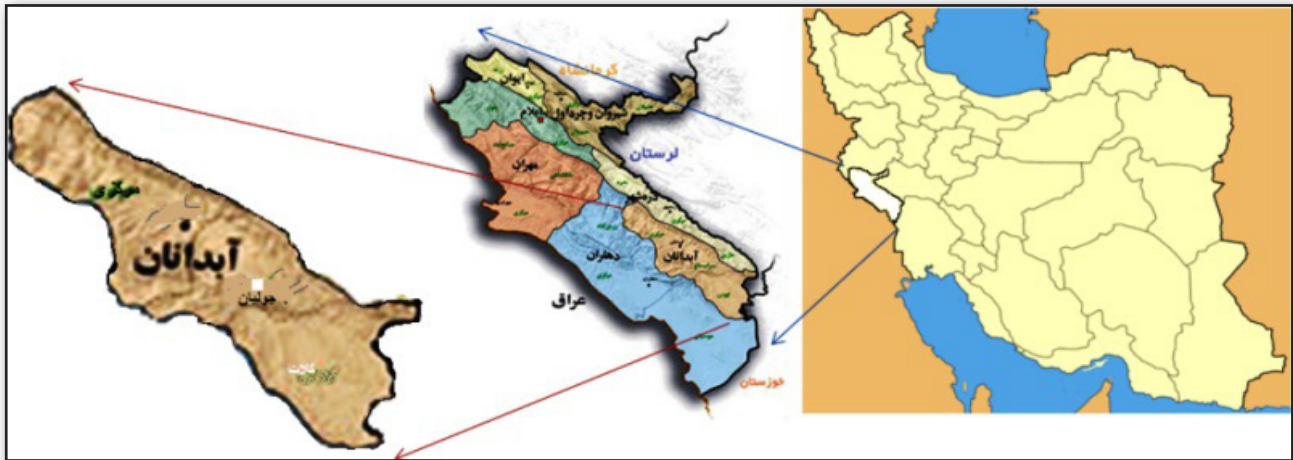
در مطالعات نوین و در فرآیند بررسی‌های باستان‌شناسی، اهداف گوناگونی طراحی می‌شود. تا چند دهه اخیر، بررسی‌های باستان‌شناسی صرفاً یک مرحله مقدماتی جهت انتخاب محل‌های کاوش محسوب می‌شد و به مثابه ابزاری بود تا باستان‌شناسان بتوانند مناسب‌ترین محل را برای کاوش بلندمدت خود انتخاب کنند. لیکن امروزه بررسی باستان‌شناسی به یک روش تحقیقاتی مستقل تبدیل شده است که با عملیاتی کردن شیوه‌های علمی آن، عملاً بخش عمده‌ای از خلأ موجود در کاوش‌های باستان‌شناسی پر می‌شود.

در بررسی‌های علمی، باستان‌شناس صرفاً به شناسایی محوطه راضی نمی‌شود، بلکه درک چگونگی توزیع فعالیت‌های انسانی و تفاوت میان مناطق مختلف، تعیین میزان ارتباط میان انسان و محیط او، و به تبع آن، منابع زیست‌محیطی و طبیعی، از دیگر اهداف اولیه او نیز محسوب می‌شود.

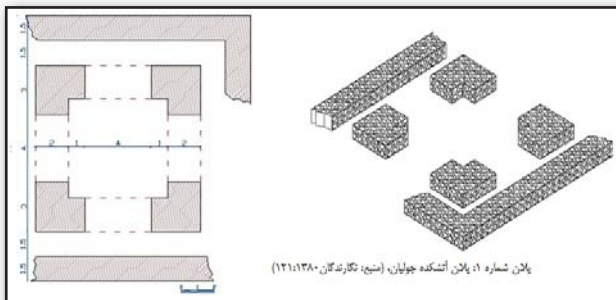
طیف کلی مطالعاتی بررسی‌های باستان‌شناسی، امروزه در دو مقوله کلی طبقه‌بندی می‌شود؛ بررسی‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای که اولین گروه با سابقه‌ای چند صد ساله، بررسی‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای است.<sup>۱</sup> از رویکردهای جدید در عرصه بررسی‌های نوین به‌شمار می‌آید باستان‌شناسی و دیگری بررسی یک مکانی است.<sup>۲</sup> همچنین در اتخاذ استراتژی پژوهشی، بررسی‌های باستان‌شناسی ممکن است به صورت ژرفانگر<sup>۳</sup> و یا پهنانگر<sup>۴</sup> طراحی شود. علاوه بر این، اتخاذ شیوه‌ای سیستماتیک و یا عمومی از دیگر راه‌های انجام بررسی‌های باستان‌شناسی است.

آنچه تاکنون در ادبیات باستان‌شناسی ایران با اقبال مواجه شده است، انجام بررسی‌های کلی و پهنانگر با در نظر گرفتن جمیع دوره‌های یک محدوده جغرافیایی و یا سیاسی است که عمدتاً این گونه بررسی‌ها به جهت کمبود شدید مطالعات با هدف شناسایی مناطق انجام می‌شود. در این مطالعات ابتدا باستان‌شناس به معرفی مکان‌های باستانی و ارزیابی گاه‌نگاری پیشنهادی، کم و کیف آثار و تعیین موقعیت آنها بر روی نقشه می‌پردازد. سپس بر اساس این داده‌ها، الگوی استقرار، پراکندگی فضایی، روابط استقرارها با یکدیگر و با محیط و منابع طبیعی، تاریخ تحول اسکان در منطقه و همچنین تغییرات جمعیتی در منطقه را تحلیل می‌کند.

در تمامی بررسی‌های باستان‌شناسی، تلاش برای سازماندهی اطلاعات و خط و مشی‌گذاری پژوهش در مراحل آینده، وجه اشتراک تمامی باستان‌شناسان است. یک ویژگی عمومی بررسی در باستان‌شناسی، استخراج داده‌های کلی است که می‌تواند باستان‌شناس را در پاسخ به پرسش‌های کلان و پهنانگر یاری کند. در سال ۱۳۸۰ برنامه پژوهشی عملیات بررسی و شناسایی باستان‌شناسانه آبدانان در جنوب استان ایلام توسط نگارندگان، از گروه باستان‌شناسی دانشگاه "بوعلی سینا همدان" انجام شد. آبدانان تا پیش از این زمان مورد بررسی باستان‌شناسی قرار نگرفته



نقشه ۱. نقشه استان ایلام و موقعیت شهرستان آبدانان. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۰.  
Map1. Map showing Ilam Province and the situation of Abdanan County. Source: authors.



پلان ۱. آتشکده جولیان. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۰ : ۱۲۱.  
Plan1. Julian fire temple. Source: authors, 2001.



تصویر ۱. دورنمای شهر جولیان و آتشکده. مأخذ: نگارندگان.  
Fig1. Overview of the city of Julian and the fire temple. Source: authors.



تصویر ۲. آتشکده جولیان. مأخذ: نگارندگان.  
Fig2. Julian fire temple. Source: authors.

سنگ‌ها نیز کرده‌اند. خوشبختانه در محوطه دو اثر منحصر به فرد دیده می‌شود. اولین اثر، آتشکده جولیان است و دیگری قلعه مشرف بر آن که حدود ۱۰۰ متر از سطح تراز شهر مرتفع‌تر است. آتشکده جولیان در بخش شمالی محوطه جولیان و در دامنه ارتفاعات و مشرف بر شهر است. این اثر به عنوان یک اثر شاخص قابل توجه است. چهارطاقی بر روی یک پشته طبیعی ساخته شده است و اضلاع آن در جهات اربعه و در حدود ۱۵ درصد درجه انحراف نسبت به شمال دارد (پلان ۱ و تصاویر ۱ و ۲).

پلان چهارطاقی جولیان، همانند چهارطاقی‌های عصر ساسانی از چهار پایه مکعب مستطیل و جدا از هم تشکیل شده است. متأسفانه به دلیل تخریب گسترده، اگرچه اثری از بقایای سقف بنا بر جای نمانده است ولیکن با توجه به سایر چهارطاقی‌های دوران ساسانی می‌توان آن را مشابه‌سازی و به صورت یک گنبد مدور بازسازی فرضی کرد. مصالح این بنا کاملاً از لاشه و قلوه سنگ غوطه‌ور در ملات گچ و بیشترین ارتفاع باقی‌مانده از دیوارهای بنا ۲/۳۰ متر است.

به دلیل تخریب گسترده در اثر ریزش مصالح، امکان ترسیم واقعی جزرها وجود ندارد ولی آنچه جالب می‌نماید، استفاده از سنگ‌های لاشه بزرگتر در قسمت‌های پایین دیوار است که سنگ‌ها هرچه به سمت بالا می‌رود کوچکتر می‌شود. ابتدا لاشه سنگ‌ها را به صورت تقریباً هموار و در کنار هم در نمای دیوارها چیده و سپس با مقدار زیادی ملات گچ فضاهای خالی را پر کرده‌اند.

برخلاف اغلب چهارطاقی‌ها که لاشه سنگ کار گذاشته نشده، بلکه تنها روی هم ریخته شده است، در این چهارطاقی هنگامی که نخستین رج را چیده‌اند، جداره بیرونی دیوار را برای ایجاد سطحی نسبتاً هموار اندود کرده و سپس رج بعدی را بر روی آن ایجاد کرده‌اند. این روش در اصطلاح عامیانه، "قوطه‌ور کردن در ملات" نامیده می‌شود.

در حد فاصل پایه‌ها، درهای ورودی در چهار جهت اصلی قرار دارد



تصویر ۳. موقعیت و دورنمای قلعه جولیان. مأخذ : نگارندگان.

Fig3. Situation and overview of Julian fortress. Source: authors.



تصویر ۴. دیوارهای خارجی قلعه جولیان. مأخذ : نگارندگان.

Fig4. Outer walls of Julian fortress. Source: authors.

مراحل مختلف محوطه‌های مسکونی این دوره بهره گرفت، و این در حالی است که مکان‌های مهم ساسانی همچون بیشاپور، فیروزآباد، استخر، کوه خواجه، نقش رستم، شوش و تخت سلیمان کاوش شده‌اند. به طور کلی شیوه سفال‌سازی عهد ساسانیان را می‌توان ادامه سنت دوره اشکانی دانست، با این تفاوت که سفال خاکستری به ندرت ساخته می‌شده است [کیانی، ۱۳۷۹: ۲۲]. در مجموع سفال این دوره محدود به ظروفی بوده که به منظور رفع احتیاجات روزمره در اختیار طبقه عام قرار می‌گرفته است [سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱: ۳۱۲].

«ریچارد اتینگهاوزن» عقیده دارد که ظروف سفالی ساسانی توجه بیشتری را نسبت به دوره پارتی به خود معطوف داشته و این توجه مدیون استفاده بیشتر و گسترده‌تر از لعاب است و شاید به دلیل فعالیت‌های بیشتر در زمینه کاوش‌های نینوا، تیسفون و کیش و بین‌النهرین و شوش، ری و دامغان در ایران باشد که اکنون قابل استفاده نیست [توحیدی، ۱۳۸۲: ۱۹۰].

این در حالی است که شاهنشاهی ساسانی سرزمین‌های زیادی را در بر گرفته است و سفالگران آن دوره بیشتر از سنت‌های محلی تبعیت کردند. هرگونه تلاش منطقی برای شناخت سفال ساسانی باید از سطح محلی آغاز شود تا مقایسه سفال در سطوح گسترده‌تر امکان‌پذیر شود. «لویی واندنبرگ» در خصوص جمع‌آوری اطلاعات مربوط به سفال دوره ساسانی تحقیقاتی کرده است و عقیده دارد که سفال در این دوره چندان مورد توجه نبوده و در حد کاربرد معمولی

که همانند برخی از چهارطاقی‌های دوره ساسانی به راهرو طواف پشت جرزا مرتبط می‌شود. بقایای راهرو طواف در اضلاع شمال، جنوب و شرق به وضوح دیده می‌شود، لیکن بقایای فرو ریخته ضلع غربی به جهت ریزش مصالح فراوان بدون انجام کاوش به سختی قابل بازسازی است. دهانه دالان طواف ۱۵۰ سانتی‌متر است.

فضای داخلی این چهارطاقی بدون محاسبه فضاهای بین جرزا با پلان مربع شکل به ابعاد ۶×۶ متر است و با احتساب دیوار طواف ابعاد این چهارطاقی به حدود ۱۴/۵×۱۴/۵ متر می‌رسد. قطر جرزا حدود ۲ متر و قطر دیوار دالان طواف ۱/۵ متر است. به دلیل عدم انجام کاوش باستان‌شناسی، آرایه اطلاعات بیشتر از معماری بنا امکان‌پذیر نیست، ولیکن آرایه مدارکی از جمله سفال‌های این محوطه کمکی در راستای انجام گاه‌نگاری اثر می‌کند [محمدی‌فر و مترجم، ۱۳۸۰].

### قلعه جولیان

در فاصله ۱۰۰ متری شمال شهر جولیان، تپه‌ای نسبتاً مرتفع طبیعی وجود دارد که بخشی از ناهمواری‌های کبیرکوه محسوب می‌شود. این اثر در مختصات جغرافیایی N32,56,850 و E47,32,528 واقع است. قلعه در حدود ۱۰۰ متر بالاتر از سطح چهارطاقی و مشرف بر آن قرار گرفته است. قلعه با همان مصالح بناهای موجود در جولیان یعنی سنگ‌های لاشه و قلوه سنگ با ملات گچ و پلان بیضی شکل ایجاد شده که به شدت متأثر از وضعیت توپوگرافی تپه است. طول شمالی جنوبی قلعه ۷۰ و عرض شرقی غربی آن ۶۰ متر است. قطر دیوارها ۲ متر است و در فواصل نامعین برج‌های نیم دایره‌ای تعبیه شده است که دارای مزغل (تیرکش) مستطیل شکل است که از بیرون به سمت داخل بنا از قطر آنها کاسته می‌شود. ورودی قلعه در ضلع شمالی آن و در دو طرف آن دو دیوار محاط ایجاد شده است. با توجه به موقعیت سوق‌الجیشی قلعه، بدون شک این قلعه دفاعی با قابلیت دیدبانی و به منظور حفاظت از شهر ایجاد شده است (تصاویر ۳ و ۴).

### سفال

دانش ما در مورد ادوار پارت و ساسانی عموماً ناقص است. این نقیصه در مورد سفال‌های دوره ساسانی به طور محسوسی مشهود است که از عدم توجه کافی به سفال ساسانی در محوطه‌ها ناشی می‌شود. سفال ساسانی از نظر باستان‌شناسی که در محوطه‌های مختلف کار کرده‌اند در مقوله استثناها گنجانده نشده و معمولاً به توصیفی سطحی از آن اکتفا کرده‌اند. از سوی دیگر، باستان‌شناسانی که در محوطه‌های مهم ساسانی کاوش کرده‌اند، آن گونه که باید به این موضوع نپرداخته‌اند از این رو دانسته‌های ما در مورد سفال ساسانی بسیار اندک است و این کاستی‌ها سبب می‌شود تا به رغم حجم عظیم سفالینه‌های پراکنده در سطح محوطه‌هایی که به این دوره تعلق دارند، نتوان از سفال برای تعیین توالی زمانی

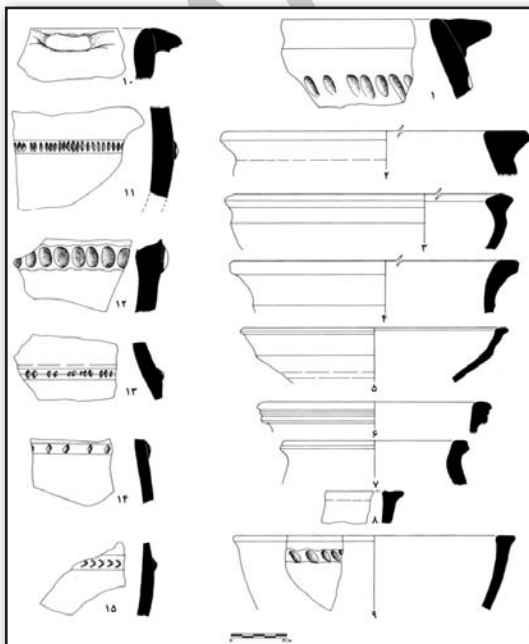
از نوع سفالینه‌های معمولی و به رنگ‌هایی در طیف‌های قرمز، نارنجی، نخودی، سبز و خاکستری است. رنگ خمیره هم‌رنگ سطح سفال است. برخی ظروف دارای بافت فشرده و محکم با خمیره‌ای از ذرات ریز ماسه، شن و کانی ولی برخی دیگر به ویژه ظروف آشپزخانه‌ای و به طور کلی ظروف بزرگ دارای بافتی شکننده و متخلخل است (تصاویر ۵ و ۶) و علاوه بر شن و ماسه، مواد گیاهی نیز دارند [محمدی فر و مترجم، ۱۳۸۰].

مشخصات فنی سفال‌ها نشان‌دهنده سلیقه‌ای بودن ساخت ظروف در محوطه‌های مختلف دوره ساسانی است و بنا به سلیقه سفالگر در محوطه‌های مختلف تولید می‌شده است (جدول ۱). مطالعه مقدماتی بر روی فرم‌های به دست آمده از محوطه‌های مختلف با کاربری متفاوت نشان می‌دهد که با توجه به کاربری محوطه‌ها، ظروف خاص می‌توان در آنها یافت. بنابراین رابطه مستقیم بین کاربری محوطه و فرم‌های مکشوفه ظروف می‌توان نشان داد. با نگرش کلی بر سفالگری این دوره، می‌توان هفت منطقه فرهنگی مشخص کرد. این موضوع نشان می‌دهد که سفال‌گران دوره ساسانی بیشتر از سنت‌های محلی تبعیت کرده‌اند، هر منطقه را با توجه به تزئین سفالینه‌هایش می‌توان از هم مجزا کرد [عسگری چاوردی، ۱۳۸۲: ۲۸۸].

در واقع در طی این دوره، فرم‌ها با اختلاف در جزئیات شکل مقطع، تقریباً مشابه هستند، ولی آنچه آنها را به سبک محلی مبدل کرده، علاوه بر مشخصات فنی متفاوتشان، تزئین گوناگون و مختلف در آن منطقه است. البته نباید از نظر دور داشت که حتی در مناطق هفت‌گانه سفال، تزئینات یکدست و مشابه یکدیگر نادرند و از یک اسلوب سلیقه‌ای و شخصی پیروی می‌کنند و در نوع تزئین با هم مشترکند. به عنوان مثال، تزئینات فشاری در غرب کشور مشاهده می‌شود ولی الگوی نقشی آن متفاوت و به ندرت دقیقاً شبیه به یکدیگر است. با این وصف، تنها یک راه برای شناخت سفال مقدم

و برای رفع احتیاجات روزمره ساخته می‌شده است، که عموماً به صورت ظروف آشپزخانه، کوزه‌های آب، خمره برای نگهداری مواد غذایی، تنگ‌های گردن بلند و کوتاه به تقلید از ظروف فلزی این دوره و نوعی ظرف باریک و کشیده شبیه بطری‌های کنونی بوده است. از طرفی تشخیص سفال ساسانی از اشکانی به جز در لایه‌ای مربوط به آن مشکل و غیرعملی به نظر می‌رسد [همان: ۱۸۹]. سفال با لعاب شامل کاسه‌هایی به اشکال گوناگون، کوزه، پیاله و خمره بوده که از سفال قرمز رنگ تقریباً خشن ساخته می‌شده است. سفال‌های بدون لعاب، که بیشتر سفال‌های دوره ساسانی از این قسم است، ساده بوده و اگر سفالگر نقشی بر آنها نهاده باشد به شیوه قالبی یا مهری بوده است. در سفال‌های بدون لعاب نقوش بسیار متنوع‌تر بوده از جمله نقش نقطه در دایره یا طرحی که به نام تکمه‌ای شکل نامیده شده، و تکنیکی دیگر که با تراشیدن نقوش بر روی سطح سفال ایجاد می‌شده است [سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱: ۳۱۳].

سفال‌های لعابدار از کیفیتی خوب برخوردار هستند. لعاب‌دهی سفال که از ویژگی‌های بارز سفال اشکانی بود در دوره ساسانی ادامه پیدا کرد و استفاده از دو رنگ سبز، آبی فیروزه‌ای مورد استفاده قرار گرفت که برای پوشش ظروفی چون قمقمه، کوزه و خمره‌های بزرگ استفاده می‌شده است. در این ظروف بر خلاف اشکانی لعاب به صورت نازک روی محصول سفالین را پوشش می‌داد، و جنس آن از شیشه مذاب و سیلیس معدنی بود و هم به صورت شفاف و هم مات وجود داشت. در این دوره از مواد شیشه معدنی و ترکیب با اکسیدهای سرب، آلومینیوم، روی، سدیم و رنگیزه‌های مس، کبالت، منگنز و غیره استفاده می‌کرده و آن را به عنوان لعاب در ظروف به کار می‌بردند. سفالینه‌های جمع‌آوری شده از بررسی سطحی محوطه جولیان



تصویر ۵. سفال‌های گردآوری شده از محوطه آتشکده. مأخذ: نگارندگان ۱۳۸۰: ۱۱۲.  
Fig5. Pottery parts discovered in temple site. Source: authors, 1380: 112.

تصویر ۶. طرح تعدادی از سفال‌های گردآوری شده در بررسی. مأخذ: نگارندگان.  
Fig6. Some drawings on potteries discovered in the survey. Source: authors.

جدول ۱. مشخصات سفال‌های سطح محوطه آتشکده جولیان. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	نوع	قطر	ضخامت	نوع ساخت	دوره	پخت	سطح درونی	سطح بیرونی	خمیره	اندازه	تراکم	رنگ سطح	خمیره	توضیحات	منبع مقایسه
۱	لیه	؟	۴۳ cm	چرخ ساز	ساسانی	کافی	خشن	خشن	متوسط	متوسط	زیاد	قرمز	قرمز	منقوش فرو رفته	Alden, 1978, p4 n21
۲	لیه	۲۸ cm	۴۰ cm	چرخ ساز	ساسانی	زیاد	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط	زیاد	قهوه ای	خاکستری		Azarnoush, 1994, p213, fig190:E
۳	لیه	۳۱ cm	۲۲ cm	چرخ ساز	ساسانی	کافی	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط	زیاد	قرمز	قرمز		Azarnoush, 1994, p294, fig171:E
۴	لیه	۲۴ cm	۲۱ cm	چرخ ساز	ساسانی	کافی	متوسط	متوسط	متوسط	ریز	زیاد	قرمز	قرمز		Azarnoush, 1994, p207, fig184:B
۵	لیه	۲۲ cm	۱۲ cm	چرخ ساز	ساسانی	کافی	ظریف	ظریف	ظریف	ریز	زیاد	نخودی	نخودی		Deshayes, 1987, fig21
۶	لیه	۱۸ cm	۱۷ cm	چرخ ساز	ساسانی	کافی	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط	زیاد	نخودی	نخودی		Azarnoush, 1994, p211, fig188:C
۷	لیه	۱۴ cm	۱۴ cm	چرخ ساز	ساسانی	کافی	خشن	خشن	خشن	درشت	زیاد	نخودی	نخودی	خطوط افقی کنده	Azarnoush, 1994, p197, fig174:R
۸	لیه	؟	۱۸ cm	چرخ ساز	ساسانی	زیاد	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط	زیاد	قهوه ای	خاکستری		Deshayes, 1987, fig21
۹	لیه	۲۳ cm	۱۷ cm	چرخ ساز	ساسانی	کافی	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط	زیاد	نخودی	نخودی		Alden, 1978, p84 n21 Azarnoush, 1994, p207, fig184:D
۱۰	لیه	؟	۱۳ cm	چرخ ساز	ساسانی	کافی	خشن	خشن	خشن	متوسط	زیاد	قهوه ای	قهوه ای	نقش افزوده فشاری	Deshayes, 1987, plt60:14
۱۱	بدنه	-	۱۷ cm	چرخ ساز	ساسانی	زیاد	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط	زیاد	نخودی	خاکستری	دسته	Azarnoush, 1994, p202, fig180:K
۱۲	بدنه	-	۱۶ cm	چرخ ساز	ساسانی	کافی	خشن	متوسط	خشن	درشت	زیاد	نخودی	قرمز	نقش افزوده فشاری	Ricciardi, 1971, pp427-442 Kennet, 2002, pp157, fig5
۱۳	بدنه	-	۱۲ cm	چرخ ساز	ساسانی	کافی	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط	زیاد	نخودی	نخودی	نقش فرو رفته ناخنی	Deshayes, 1987, plt58:2
۱۴	بدنه	-	۹ cm	چرخ ساز	ساسانی	کافی	متوسط	متوسط	متوسط	ریز	متوسط	قرمز	قرمز	نقش فرو رفته ناخنی	Azarnoush, 1994, p202, fig180
۱۵	بدنه	-	۸ cm	چرخ ساز	ساسانی	کافی	متوسط	متوسط	متوسط	ریز	زیاد	نخودی	قرمز	نقش فرو رفته ناخنی	Azarnoush, 1994, p208, fig185:J

از ملات گچ به جهت بوم‌آورد بودن آن در منطقه در دوران مختلف است. جهت رفع این معضل استفاده از شیوه‌ها و سبک‌های معماری و همچنین پلان‌های خاص و از جمله پلان‌های استاندارد آتشکده‌ها و آتشگاه‌ها دوران ساسانی در انجام این مقایسه‌ها بسیار راهبردی است. همچنان که در بخش توصیف معماری اشاره شد، پلان چهارطاقی با دالان طواف یکی از سبک‌های ویژه معماری مذهبی این دوران است که خوشبختانه در سال‌های اخیر چندین نمونه از آن کشف شده است. از آن جمله می‌توان به آتشکده‌های شیان [رضوانی، ۱۳۸۴: ۷۴]، میل میلگه [مرادی، ۱۳۸۸: ۱۶۵] و همچنین چن ژیه ایلام [VandenBerghe, 1977, 182-184, fig. 5] اشاره کرد (پلان ۲). همچنان که می‌دانیم، آتش نماد اورمزد از مصادیق عالی ستایش در عهد ساسانی بود و مذهب مزدایی و یا صورت اصلاح یافته جدیدش، مذهب زرتشتی، مذهب رسمی ساسانی به شمار می‌رفت. سکه‌های ساسانی، شاه را در حال ستایش آتش در مقابل محراب نشان می‌دهد [ویدن گرن، ۱۳۸۱: ۵۹].

با بررسی مدارک برجای مانده از مورخان باستانی مطالب فراوانی را درباره آتش و مراسم مربوط به آن و آتشکده‌ها آورده‌اند. چنانچه «هرودوت» می‌گوید: "آنها هیچ‌گونه بتی ندارند و قوانین آنها ساختن بت را منع می‌کند و کسانی را که بخواهند آن کار را بکنند

و متأخر ساسانی باقی می‌ماند و آن اینکه در آن محدوده یک شاخص مطمئن برای سفال متقدم و متأخر ساسانی داشته باشیم [خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳: ۷۰-۴۵].

از نظر تزئینات، نقوش بکار رفته بر روی این سفال‌ها شامل نقوش کنده، افزوده و برجسته است. نقوش کنده، به صورت خطوط مواج افقی و نقوش فشاری است. نقوش افزوده شامل نقوش طنابی و نقوش برجسته، شامل خطوط برجسته افقی در گروه‌های چند خطی است. آثار سفالی بدست آمده از سطح این محوطه مشابه سفالینه‌های بدست آمده از لایه‌های ساسانی مجموعه قلعه یزدگرد [Keall, 1981]، آتشکده شیان [رضوانی، ۱۳۸۴: ۶۷] و میل میلگه در اسلام آباد غرب [مرادی، ۱۳۸۸: ۱۶۵] است (جدول ۱).

#### گاه‌نگاری، کاربری و مقایسه

علاوه بر سفال که یکی از مواد قابل توجه در انجام گاه‌نگاری دوران مختلف و از جمله دوره ساسانی است، استفاده از تیپولوژی و سبک‌شناسی هنر و معماری دوره ساسانی، یکی از راه‌های تعیین گاه‌نگاری بناهای دوران مختلف است. یکی از ویژگی‌های معماری دوران ساسانی، استفاده گسترده از قلوه سنگ و ملات گچ است، لیکن مشکل جدی که در منطقه آبدانان وجود دارد، فراوانی استفاده

محققین تاریخ ادیان، سه نوع آتش از نظر رتبه‌بندی مورد ستایش بوده است: آتش بهرام، آتش آدران و آتش دادگاه. آتش بهرام (آتش ایالتی) مهم‌ترین و مقدس‌ترین آتش که به آتش پادشاه پیروزگر موسوم است. این آتش، با تشریفات خاصی از شانزده آتش مختلف تهیه و تطهیر می‌شد [گیمن، ۱۳۸۵: ۱۲۹-۱۱۶]. آتش بهرام، همواره و در هر شرایطی می‌بایستی با شعله‌های درخشان و فروزنده بسوزد. این آتش در آتشکده‌های بزرگ و طراز اول چون آذرگشنسب، آذرفرنبغ و آذر مهر برزین نیایش می‌شده است [بویس، ۱۳۸۱: ۱۵۶].

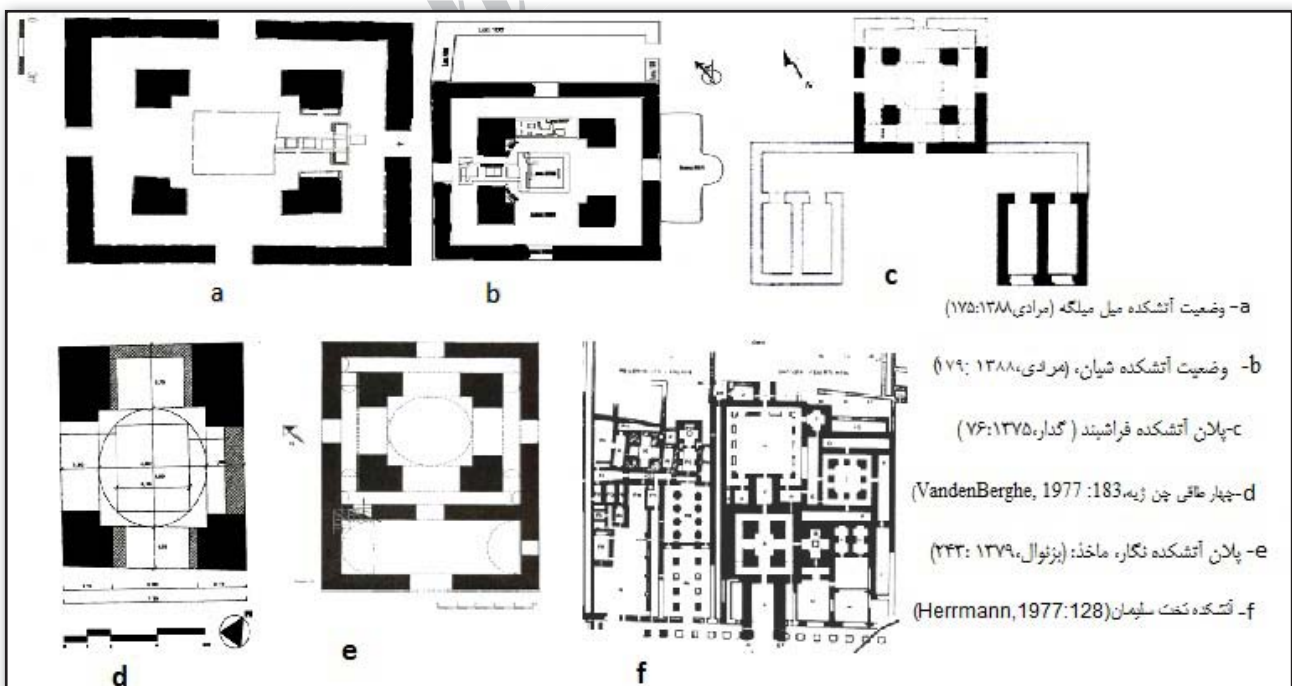
در اوستا، اصطلاحی برای آتشکده نیامده است اما در وندیداد به آئین معبد آتش، عطف شده است. نخستین اشاره به آتش معلوم و مخصوص از سده سوم میلادی است. در کتیبه‌ای از شاپور اول متعلق به کرتیر، از بنیاد گزاردن آذرهای بهرام و از دیگر آذرها سخن می‌گوید [بویس، ۱۳۷۵: ۳۲۶].

در میان ده‌ها ایزدی که در ایزدکده دوره ساسانی چهره‌ای بسیار محبوب داشتند، ایزد بهرام جایگاه ویژه‌ای دارد [رجبی، ۱۳۸۰: ۴۶۶]. ایزد بهرام موجودی است انتزاعی و تجسمی از یک اندیشه. ورثه‌اش به معنی در هم شکننده مقاومت است [آموزگار، ۱۳۸۳: ۲۷]. در سرودی که به او اختصاص دارد (یشت ۱۴) آمده است که بهرام ده تجسم یا صورت دارد که هر کدام از آنها مبین نیروی پویای این خداست. تجسم‌ها از این قرار است: باد تند، گاو نر زردگوش و زرین شاخ، اسب سفید با ساز و برگ زرین، شتر بارکش تیزدندانی که پای بر زمین می‌کوبد و پیش می‌رود، گراز تیزدندانی که به یک حمله می‌کشد، هم خشمگین است و هم زورمند، جوانی به سن آرمانی پانزده سالگی، پرنده تیز پروازی که

دیوانه می‌پندارند. مراسم قربانی را چنین تشریح می‌کند که پارس‌ها قربانگاه و معبد‌های مسقف بنا نمی‌کردند، بلکه مراسم دینی خود را در نقاط مرتفع و سرباز برپا می‌داشتند، چون کسی نذری برای قربانی به یکی از خدایان (خورشید، ماه، زمین، آتش و آب و باد) داشت، حیوان قربانی را به سادگی به چنین نقاطی می‌برد و مغانی را نیز خبر می‌کرد چون به طور کلی چنین مراسمی انجامش بدون وجود مغان میسر نبود. چون قربانی تحت مراسمی ویژه با کارگزاری مغان انجام می‌شد. مغان بستری از علف به ویژه شبدر سبز می‌گسترده و گوشت قربانی را روی آن نهاده و ادعیه‌ای تلاوت می‌کرد و پس از آن صاحب قربانی می‌توانست آن گوشت را به هر مصرفی که می‌خواهد برساند [گذار، ۱۳۷۵: ۱۵]. نظریات ما در مورد آتشکده‌های ساسانی به مطالعات عمیق «گذار» و «اردمن» بازمی‌گردد. بنا بر نظر آنان، این چهارطاقی‌ها بناهای مقدس و توسعه‌یافته، مکان‌های روبازی هستند که پیش از این ایرانیان جهت پرستش از آنها استفاده می‌کردند.

این چهارطاقی‌ها از چهار طرف قابل رؤیت بودند، اگرچه این نظریات مورد پذیرش همگان قرار گرفت لیکن «واندنبرگ» و «گروپ» این دیدگاه را مورد شبهه قرار دادند. علت تغییر این دیدگاه کاوش در چندین آتشگاه و از جمله در کوه خواجه، تخت سلیمان، بندیان درگز و ... بود که فرضیه آتشکده‌های ساسانی صرفاً دارای یک ساختار واحد هستند را با تردید مواجه کرد و مشخص شد که باید ساختارهای دیگری را نیز در پلان این بناها باید جستجو کرد [Huff, 1974: 247].

با استناد به متون مذهبی و تاریخی، در دوران ساسانی بنا بر تقسیم‌بندی‌های صورت گرفته از سوی بسیاری از باستان‌شناسان و



پلان ۲. تعدادی از آتشکده‌های قابل مقایسه با آتشکده جولیان. مأخذ: نگارندگان.  
Plan2. Some of fire temples that can be compared with Julian. Source: authors.

آتشکده‌ها و آتشگاه‌ها رو به فزونی گذارد؛ چنانکه بنا بر نقل «طبری» در دوره حکومت خسرو پرویز آتشکده‌های فراوانی ساخته شد و دوازده هزار هیرید در آنجا به خدمت گماشته شدند [طبری، ۱۳۷۵: ۷۶۶]. بنا بر مطالعات صورت گرفته در چندین آتشکده مورد کاوش و از جمله در آتشکده میل میله گه [مرادی، ۱۳۸۸]، اتاق چلیپایی PD تخت سلیمان [نومان و هوف، ۱۳۵۱: ۴۱، شکل ۱۶]، ترنگ‌تپه گرگان [Boucharlat, 1999: 68-70] آتشکده شبان [رضوانی، ۱۳۸۴: ۳۶] و چهارطاقی چن ژیه ایلام [VandenBerghe, 1977, 182-184, fig. 5] آتشدان بر روی سکوی مرکزی داخل یز شگاه قرار گرفته است. اما در آتشکده کوه خواجه [Mousavi, 1999: 81-84] و اتاق چلیپایی B تخت سلیمان [ناومان، ۱۳۷۴: ۵۳، عکس ۲۸] آتشدان در داخل حوضچه‌ای آجری که بر روی کف بنا ساخته شده قرار داشته؛ همچنین در آتشکده مل حرم ترکمنستان [Kaim, 2004: fig. 4] و اتاق چلیپایی A تخت سلیمان [ناومان، ۱۳۷۴: ۵۳]، این عنصر مذهبی در داخل ساختار فرو رفته‌ای قرار می‌گرفته و بالاخره در آتشکده‌های بندیان درگز، آتشدان بر روی کف آتشکده قرار گرفته است [رهبر، ۱۳۷۸: ۲۲۰-۲۱۹]. متأسفانه به جهت عدم انجام کاوش در جولیان وضعیت دقیق آتشدان در آن هنوز نامشخص است که برای رفع این کمبود به ناچار فقط مقایسه معماری و استناد به سفال‌ها تنها راهکار کنونی جهت گاه‌نگاری است.

«هینلز» عقیده دارد شاید کلاغ باشد، قوچ وحشی، بز نر جنگی و مردی که شمشیری زرین تیغه در دست دارد. هر کدام از این صورت‌ها نماینده یکی از توانایی‌های اوست. از میان این تجسم‌ها دو تجسم از محبوبیت بیشتری برخوردار است. یکی پرند تیز پرواز و دیگری صورت گراز که در ایران باستان نماد نیرومندی بود [هینلز، ۱۳۷۳: ۴۱]. در میان آتش‌ها، آتش بهرام مقدس‌ترین و گرانبهارترین آنها محسوب می‌شد. در ایران آتش بهرام با عنوان ایزد بهرام یعنی ورث‌رغنه ستایش می‌شود، لیکن تاکنون دلیل قانع کننده‌ای در مورد علت نامگذاری این آتش به نام ایزد پیروزی (بهرام) ارایه نشده است. جالب اینکه آتش، خود ایزدی دارد که آذر نام دارد [بویس، ۱۳۷۵: ۳۲۷]. آتش آدران (آتش محلی) در مرتبه‌ای پایین‌تر از آتش بهرام قرار دارد که برای نشان دادن آن تنها چهار نوع آتش خانگی کافی است و مراسم تطهیر و تقدیس آن ساده‌تر از آتش بهرام است. این آتش بر خلاف آتش بهرام همواره با شعله‌های فروزان، شعله‌ور نیست. آتش دادگاه (آتش خانوادگی) تنها از یک آتش به سادگی تهیه، تطهیر و تقدیس می‌شود. اگر چه این آتش را موبدان بر پا می‌دارند، اما نگهداری آن را هر بهدینی می‌تواند بر عهده بگیرد. هریک از این آتش‌ها دارای شخصیت جداگانه مخصوص خود است؛ نه می‌توان آنها را با هم ترکیب کرد و نه آنکه می‌توان درجه هریک را ترقی داد [بویس، ۱۳۸۴: ۱۵۷]. با گسترش آیین زرتشت شمار

## نتیجه گیری

در باب اهمیت آتش و آتشکده، در دوران ساسانی، مقالات و کتب متعددی به رشته تحریر درآمده است علاوه بر این کاوش‌های متعدد باستان‌شناسی به انجام رسیده است. هدف از ارایه این نوشته یک نکته مهم در بحث مذهب و معماری مذهبی ساسانی است. آتشکده مکشوفه در جولیان با توجه به وسعت محوطه عظیم جانب آن و وضعیت خاص معماریش از چند منظر قابل بحث و طرح بود که از جمله آن توجه به منطقه کمتر شناخته شده آبدانان، و دیگر افزودن یک آتشکده جدید به ادبیات باستان‌شناسی ایران است. هرچند توجه به این مهم ضروری است که مطالعات جولیان در مرحله مقدماتی بوده و مطالب پیش گفته صرفاً حاصل بررسی میدانی نگارندگان مقاله است و امید می‌رود تا با کاوش‌های گسترده در آینده، اطلاعات جدیدی در خصوص جزئیات این بنا و شهر جولیان بدست آید.

با مطالعات به عمل آمده می‌توان اذعان داشت که در آتشکده جولیان و آتشکده‌هایی از این گروه که فاقد الحاقات معماری پیچیده‌اند، آتش آدران نیایش می‌شده است. مطالعات اولیه صورت گرفته بر روی عناصر، جزئیات و ساختارهای این آتشکده به ما اجازه می‌دهد بپذیریم که این بنا همانند چندین آتشکده شناسایی و کاوش شده در ایران و از جمله میل میلگه، شبان، نگار، فراشند و... در گروه آنها قابل طبقه‌بندی است. البته با دقت در پلان آتشکده عظیم تخت سلیمان که یکی از مهم‌ترین و رسمی‌ترین آتشکده‌های دوران ساسانی است، می‌توان تأثیرات فراوان این شکل از پلان رسمی را در دیگر آتشکده‌های این دوران و خصوصاً اواخر دوران ساسانی مشاهده کرد.

بنابر تعالیم زرتشت تنها کسانی که اجازه و صلاحیت ورود به حریم این آتش را داشته و دارند موبدان عالی رتبه هستند. بهدینان، موبدان و رده‌های عادی نیایش کنندگان در داخل راهروهای طواف و در جلو درگاه‌ها تجمع می‌کردند و از دور ناظر بر انجام مراسم و سرودهایی بودند که توسط موبد و یا موبدان با صلاحیت خوانده می‌شد. اطلاعات ما درباره جزئیات اجرای این مراسم آیینی و اشیای مورد استفاده در آن عمدتاً از مذهب زرتشتی امروزی به دست می‌آید. هرچند امروزه نیایش‌ها و مراسم مذهبی، شکوه و عظمتی را که در زمان ساسانیان دارا بوده از دست داده، اما با توجه به اینکه یکی از خصایص دیانت زرتشتی، دقت و محافظه‌کاری در مراسم پرستش و آداب مذهبی است، لذا به نظر می‌رسد صورت کنونی این مراسم، تفاوت‌های بنیادینی با دوران ساسانی نداشته باشد.

از دیگر نکات مورد توجه در مورد شهر جولیان اشاره به این موضوع است که با توجه به مدارک موجود و خصوصاً تعدادی سفال، به نظر می‌رسد که این محل در قرون اولیه اسلامی نیز مورد استفاده بوده است؛ هرچند به درستی روشن نیست که آیا در دوران اسلامی آتشکده مورد استفاده بوده، تغییر کاربری داده یا متروک شده است. علاوه بر این، وجود استقرارهای عظیم دوران ساسانی و قرون اولیه اسلامی در منطقه پیشکوه و پشت کوه یعنی استان‌های کنونی لرستان و ایلام از نکات بسیار مهم در تحلیل این آتشکده و چندین آتشکده شناخته شده دیگر در غرب ایران است.



**پی نوشت**

۱. Regional Survey

۲. Sit survey

۳. Intensive

۴. Extensive

**فهرست منابع**

- آموزگار، ژاله. ۱۳۸۳. *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: انتشارات سمت.
- بزنوال، رولان. ۱۳۷۹. *فن آوری تاق در خاور کهن*. ت: محسن حبیبی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- بویس، مری. ۱۳۷۵. *تاریخ کیش زردشت*. جلد دوم، ت: همایون صنعتی زاده، تهران: انتشارات ققنوس.
- بویس، مری. ۱۳۸۱. *دیانت زردشتی در دوران متأخر*. ت: فریدون وهمن، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- بویس، مری. ۱۳۸۴. *زردشتیان؛ باورها و آداب دینی آنها*. ت: عسکر بهرامی، تهران: انتشارات ققنوس.
- توحیدی، فائق. ۱۳۸۲. *فن و هنر سفالگری*. تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم.
- خسروزاده، علیرضا و عالی، ابوالفضل. ۱۳۸۳. *توصیف، طبقه بندی و تحلیل گونه شناختی سفال های دوره اشکانی و ساسانی منطقه ماه نشان (زنجان)*، مجموعه مقالات همایش بین المللی باستان شناسی ایران: حوزه شمالغرب به کوشش دکتر مسعود آذرنوش، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (پژوهشگاه)، پژوهشکده باستان شناسی، صص ۷۰-۴۵
- رضوانی، حسن. ۱۳۸۴. *گزارش کاوش نجات بخشی محوطه سد شیان کرمانشاه*، (منتشر نشده)، تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان شناسی، تهران.
- رجبی، پرویز. ۱۳۸۰. *هزاره های گم شده*. جلد پنجم، تهران: انتشارات توس.
- رهبر، مهدی. ۱۳۷۸. *معرفی آدریان (نیایشگاه) مکشوفه دوره ساسانی در بندیان درگز و بررسی مشکلات معماری این بنا*، در دومین کنگره معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، کرمان، ایران، ۲۵ تا ۲۹ فروردین ماه ۱۳۷۸، جلد دوم، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، صص ۳۴۲-۳۱۵.
- سرفراز، علی اکبر و فیروزمندی، بهمن. ۱۳۸۱. *باستان شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات عفاف.
- طبری، محمد بن جریر. ۱۳۷۵. *تاریخ الرسل و الملوک*. ت: ابوالقاسم پاینده، ۱۶ جلد، چاپ پنجم، تهران: انتشارات اساطیر.
- عسگری چاوردی، علیرضا. ۱۳۸۲. *گاه نگاری نسبی سفال های نمونه برداری شده از محوطه های باستانی واقع در پس کرانه های خلیج فارس*. مجموعه مقالات دومین همایش باستان جوان ایران، دانشگاه تهران - ۸ و ۹ اردیبهشت، صص ۳۲۶-۲۸۵.
- کیانی، محمدحسین. ۱۳۷۹. *پیشینه سفال و سفالگری در ایران*. تهران: نشر نسیم دانش.
- گدار، آندره. ۱۳۷۵. *آثار ایران*. ت: ابوالقاسم سرو مقدم، جلد ۳ و ۴، مشهد: انتشارات آستان قدس.
- گیمن، دوشن. ۱۳۸۵. *دین ایران باستان*. ت: رویا منجم، تهران: انتشارات علم.
- محمدی فر، یعقوب و مترجم، عباس. ۱۳۸۰. *گزارش بررسی و شناسایی باستان شناسی شهرستان آبدانان*. آرشیو سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان ایلام (منتشر نشده).
- مرادی، یوسف. ۱۳۸۸. *چهارطاقی میل میله که؛ آتشکده ای از دوره ساسانی، مطالعات باستان شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، شماره نخست، سال اول، بهار و تابستان، صص ۱۸۵-۱۵۵.
- نومان، ردولف و دیتریش هوف. ۱۳۵۱. *حفاری های تخت سلیمان*. ت: فرامرز نجد سمیعی، مجله باستان شناسی و هنر ایران، ۹ و ۱۰: ۴۷-۳۸
- نومان، رودلف. ۱۳۸۲. *ویرانه ها تخت سلیمان و زندان سلیمان*. ت: فرامرز نجد سمیعی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- ویدن گرن، گئو. ۱۳۸۱. *هنر مانوی و زرتشتی تاریخ هنر ایران*. ۳. چاپ دوم، ت: یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی.
- هینلز، جان. ۱۳۷۳. *شناخت اساطیر ایران*. ت: ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: انتشارات چشمه.

- Tabari, M. J. (1988). *Tarikhe Rosol va Molok* [Kings and Prophet History]. Translated to Farsi by Abolgaseme Payande. Tehran: Asatir.
- Asgari Chavradi, A. (2003). *Gahngari Nnesbi Sofalhayeh Nemone Bardari Shode az Mohavatehaye Bastani Vage Dar Pase Karanehyae Khalije Fars* [Relative Chronology of Typified Shards Form Historical Placed Located in ENVIRONS of Persian Gulf]. Majmo Magalate Dovomin Hamayeshe Bastan Javan Iran, Daneshgah Tahran [Proceeding of the second conference of young arcaeologists held in Tehran university]. Conducted by cultural heritage organization. Tehran: cultural heritage organization.
- Kiani, M. H. (2000). *Pishine Sofal va Sofalgari dar Iran* [History of shard and pottery in iran]. Tehran: Nashre Nasime Danesh.
- Godar, A. (1988). *Asar-e Iran* (Vol 1, 3, 4) [Iranian Monumental]. Translated to Farsi by Sarv Mogadam, A. Mashhad: Astan-e ghods.
- Gimán, D. (2006). *Dine Iran Bastan* [Religion in Old Iran]. Translated to Farsi by Monajem, R. Tehran: Entesharate Elm.
- Mohamadifar Y. & Motarjem, A. (2001). *Gozareshe Barasi va Shenasaie Bastan Shenasi Shahrestane Abdanan* [The Archeological Survey of Abdanad's Region]. Archive Sazmane Miras Farhangi Sanaye Dasti va Gardeshgari Ostane Ilam [Cultural heritage organization of Ilam]. Unpublished manuscript.
- Moradi, Y. (2009). *Chartagi Mil Mile Ke; Atashkadeii Az Doreye Sassani* [Chartar Taqi of Mileh Milegeh, a Fire-temple from the Sassanian Era]. Motaleaate Bastan Shenasi Daneshkade Adabiat va Olome Ensani Daneshgah Tehran [Jornal of arcaeology, university of Tehran]. 1(1): 155-185.
- Nuamann, R. & Henning. H. Von Der Osten. (1972). *Hafarihaye Takhte Soleyman* [Takhte-e Suleiman und Zendan-E-Suleiman]. Translated to Farsi by Najod Sameeii, F. Bastan Shenasi va Honar Iran, 9: 38-47.
- Nuamann, R. (2003). *Viranehaye Takhte Soleyman va Zedane Soleyman* [Remains of Takhte-e Suleiman and Zendan-e Suleiman]. Translated to Farsi by Najd Samiee, F. Tehran: Sazman-e Miras Farhangi-ye Keshavar.
- Widengren, G. (2002). *Honar Maanavi va Zartoshtie, Tarikhe Honar Iran 3(Zoroastrianism Art)*. Translated to Farsi by Ajhand, Y. Tehran: Molaa.
- Hinlles, J. (1994). *Shenakhte Asatir-e Iran* [Persian Mythology]. Translated to Farsi by Amoozgar, J. & Tafazoli, A. Tehran: Cheshme.

## Reference list

- Alden, J.R. (1978). *Excavation at Tal-e Malyan, part I, A sasanian Kiln, Iran*. (16):93-101.
- Azarnoush, M. (1994). *The Sasanian Maner House at Hajiabad, Iran*; Monography di Mesopotamia III (Florance, Firenze, Case Editrice letter, 1994)
- Boucharlat, R. (1999). *Temples du feu Sassanids* [Fire temples sassanids]. *dossiers d' Archaeologie*. 243 : 68-70.
- Herrmann, G. (1977). *The Iranian Revival*. London: Elsvier. Phaidon.
- Huff, D. (1974). *Sasanian Char-Taqs in fars*. Proceedings of the IIRD Annual Symposium on Archaeological Research held in Iran. Tehran: Muzeh-e Iran-e Bastan. Tehran: Iranian Centre for Archaeological Research.
- Deshayes, J. (1987). *Fouilles De Turang Tepe 2. Les periods sassanides et Lamiques* [The Tape excavations Turangi Sasanian period and Lamiques]. Paris: Editions Recherche sur les civilisations.
- Keall, E. J. & Keall, M. (1981). *The Qaleh-I Yazdigird Pottery: A Statiscal Approach*. Iran. XIX: 31-80.
- Kennet, D. (2002). Sasanian Pottery in Southern Iran and Eastern Arabia. *Iran* (40): 153-162.
- Mousavi, M. (1999). *Kuh-e Khadjeh: un complexe religieux de l'est Iranien* [Kuh-e Khadjeh: a religious complex in eastern Iran]. *dossiers d' Archaeologie*. 243 : 81-84
- VandenBerghe, L. (1977). Les Chahar taqs du Pusht-I Kuh, Luristan [The Chahar taqs of Pusha-I Kuh, Luristan]. *Iranica Antiqua*, XII: 175-190, planche I-VI.
- Kaim, B. (2004). *Ancient Fir Temples in the Light of the discovery at the Mele Hairam*. *Iranica Antiqua*, XXXIX: 323-327.
- Ricciardi, R.V. (1971). *Sasanian Pottery from Tell Mahuz*. *Mesopotamia*: 5, 6.
- Amoozegar, J. (2002). *Tarikhe Asatiri Iran* [Mythological of History Iran]. Tehran: Samt.
- Besenval, Roland. (1990). *Fanavari-e Tagh dar Khavare Kohan* [Technologie La Voute Dansl Orient Ancien 1-2]. Translated to farsi by Habibi, M. Tehran: Sazmane Mirase Farhangi Keshvar.
- Boyce, M. (1988). *Tarikhe Kish Zaedosht*. Vol.2. [A History of Zoroastrianism, Vol 2.]. Translated to Farsi by Sanatizade, H. Tehran: Ghoghnos.
- Boyce, M. (2002). *dianat zardoshti dar dorane motakheref* [Zoroastrian's Honesty in Recent Period]. Translated to farsi by Vahman, F. Tehran: entehsarate bonyade farhange iran.
- Boyce, M. (2005). *Zardoshtian; Bavarha va Vadaabe Dinie Anha* [Zoroastrian's, Their Beliefs and Religious manners]. Translated to farsi by Bahrami, A. Tehran: Ghoghnos.
- Towhidi, F. (2003). *Fan Va Honare Sofalgari* [Pottery Technique and Art]. Tehran: Entesharate semt.
- Khosrozade, A. & Aali, A. (2004). *Tosif, tabaghe bandi va tahlile gune shenakhti sofaha-ye dore-ye ashkani va sasani mantegheye mahnesan (Zanjan)* [Evaluation and Taxonomy of Discovered Items in Parthian and Sasanian Period in Mah Neshan Located in Zanjan]. Proceedings of the *International Symposium on Iranian Archaeology: Northwestern Region* held in arg bam kerman. Conducted by cultural heritage organization. Tehran: cultural heritage organization.
- Rezvani H. (2005). *Gozaresh-e kavosh-e nejat bakhshi-ye Mohavate-ye sade Shian Kermanshah* [Report of Salvage Excavation in the Shian's Dom in Kermanshah]. Unpublished manuscript.
- Rajabi, P. (2001). *Hezarehaye gom shode*, Vol 5 [The Lost Thousands. Vol 5]. Tehran: Toos.
- Rahbar, M. (2008). *Moarefi-e Adrian, makshufey-e dorey-e Sassani dar Bandian-e Dargaz va Barresi-e moshkelate memari-ye in bana* [Introduction of Adrian which found in Sasanian period in Bandian Dargaz and Scrutiny of Architectural Problems in of this Building]. *Dovomin Kongoreye Memari va Shahrsazi Iran* [Proceeding of the second conference of architecture & urbanism held in arg bam kerman]. Conducted by cultural heritage organization. Tehran: cultural heritage organization.
- Sarfaraz, A. & Firozmandi, B. (2002). *Bastan shenasi va honare dorane tarikhi-ye Maad, Hakhamaneshi, Ashkani, Sassani* [Archaeology and Art in Median, Achemenid, Parthian and Sasanian Historical period]. Tehran: Efaf.

## Julian; A New Fire Temple From Sassanid Era in Abdanan

Yaghoub Mohammadifar\*

Abass Motarjem\*\*

### Abstract

The highland county of Abdanan, located in south of Ilam province, Kabir-Kuh, covers north of this region like a wall. In 2001, a team from the Archaeological Expedition Department of Bu-Ali Sina University conducted a regional survey at this area. Totally, 51 sites were discovered during this survey, through which Julian is one of the most remarkable ones. The newly-found Julian Chahar-Taqi is a fire temple belonging to the Sassanid era. Like many other fire temples of that time, Julian was built with pieces of stone and plaster. This Chahar-Taqi, as the remaining part of the heart of a larger structure, consists of four stone walls of different sizes surrounded by a round passageway. This article seeks to describe this Chahar-Taqi as a fire temple and show its similarities with other similar structures (fire-temples) in Iran. Considering its vast area and specific architectural characteristics, the discovered fire temple of Julian could be studied and discussed from different points of view. However, it is important to note that the study of Julian is in its preliminary basis, and the above subjects are particularly the results of the writer's field research. More details about the structure and the city of Julian can only be obtained by future surveys and excavations.

It is worth mentioning that the fire of Adoran was praised in Julian fire temple. Preliminary studies enabled us to classify this structure along with some other discovered and excavated fire temples in Iran such as Mil-Milgah, Shian, Negar, Farashband, etc. Also, it may be worth to look at the significant influence of the construction plans for fire temples of this period, especially the ones that were built in the last years of the Sassanids. Examples of such fire temples include Takht-e Soleymān fire temple, which is one of the most important official temples of the Sassanid era.

By Zoroaster's teachings, the only people allowed to enter the sacred fire temples were high-ranking Moubads (The Magi or the Zoroastrian priests). Beh-Dins, Moubads, and common worshippers would gather in passageways and in front of entrances, watching the ceremony held by the Moubad from apart. Our knowledge about the details of this ritual and the involved processes are based on common Zoroastrian ritual traditions. Even though such ceremonies of today have lost the magnificence of the Sassanid era but there might not be any major difference because of the fact that Zoroastrians always try to preserve the original tenets of their rituals.

Another point about Julian is that it was occupied during the first centuries after the advent of Islam. This is mostly evident through discovered archeological signs specially clay pot pieces. However, it is not clearly understood whether the fire temple were still used, abandoned, or changed during the Islamic era. In addition, the discovery of significant archeological structures belonging to the Sassanid and the early Islamic eras in Pishkouh and Posht-e Kouh regions shows that Lorestan and Ilam provinces may include important clues to describe and analyze this fire temple and most others discovered in Western Iran.

### Keywords

Sassanid Era, Fire Temple, Abdanan, Julian.

.....  
\*. Ph.D in archaeology. Associate Professor, Department of Archaeology, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.  
yamohammadi@yahoo.com

\*\*\*. Ph.D in archaeology. Assistant Professor, Department of Archaeology, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.  
amotarjem@gmail.com